

"بخش دوم"
ماتریالیسم تاریخی

برده داری
نتوانست فرماسیون
مسلط در ایران شود
امیر نیک آئین

فصل- ششم تئوری مارکسیستی لنینیستی فرماسیون های اجتماعی - اقتصادی

درس 60- برده داری بخش دوم

(4)

راهی که تجزیه جامعه اشتراکی اولیه پیموده و طریقی که به جامعه طبقاتی رسیده در همه جا یکسان نیست. این، یک روند تحولی طولانیست که از راه های مختلف و با ویژگی های گوناگون به تشکیل طبقات متخاصم و دولت ها انجامیده است. نه تنها برده داری با خصوصیات و به شکل کلاسیک راه منحصر به فرد گذار از کمون اولیه به جامعه طبقاتی نیست، بلکه خود برده داری نیز از نظر خصوصیات روند تشکیل و ایجاد، و از نظر ویژگی های استثمار کار بردگان، و از نظر اشکال مختلف سازمان امور نظامی و دولتی، در مناطق مختلف، تفاوت هائی بسیار داشته و از این لحاظ که وابسته به کدام دوران تاریخی معین بوده و چه مشخصات جغرافیائی و جمعیتی داشته، اشکال گوناگون یافته است.

بردگی نخست در بابل و آشور و مصر و چین و هند پدید آمد. در بین النهرین از هزاره چهارم تا هزاره دوم پیش از میلاد، در ماوراءالقفقاز در هزاره اول پیش از میلاد، در آسیای میانه در قرون هشتم و هفتم پیش از میلاد بردگی پدید شد. ولی بویژه در یونان و روم باستان و همچنین تا حدودی در کلد و آشور و مصر است که برده داری به شکل کلاسیک خود تکامل حاصل کرد. در یونان باستان این فرماسیون در قرون پنجم و چهارم قبل از میلاد به اوج رونق خود رسید که به نوبه خویش موجب توسعه برده داری در آسیای صغیر، مصر و مقدونیه شد و این دوران 2000 تا 2500 سال پیش را در برمی گیرد. در رم باستان اوج نظام برده داری به دو قرن قبل تا دو قرن بعد از میلاد باز می گردد. در شرق و از آن جمله در میهن ما- در آن حدی که بردگی وجود داشت- بیشتر خصلت پدر شاهی و خانوادگی به خود گرفت. بطور کلی برده داری با اشکال و درجات و عمق گوناگون تقریباً در نزد همه اقوام جهان وجود داشته اگر چه نه در همه جا به صورت شیوه تولید مسلط در آمده. از وجود کار بردگان در سرزمین های مختلف نمی توان نتیجه گرفت که در همه جا پس از تلاشی نظام کمون اولیه، فرماسیون برده داری تسلط یافته است.

(5)

در شرق باستان دولت نقش خاصی می یابد، بوروکراسی وسیع دولتی و هرم قدرت دولتی در شرق و در کشورما، به صورتی بود که دیوان های وابسته به دربار به دور پادشاهانی که قدرتی الهی به خود نسبت می دادند متمرکز می شدند. این بوروکراسی و دستگاه حاکمه، به همراه پادشاه امکان می یافت که به قول کارل مارکس تمام جامعه را به یک "بردگی همگانی" محکوم کند. در این شکل، اقتصاد بر پایه بهره گیری اشتراکی و مالکیت دولتی بر

زمین و استعمار توده های محل، از طرف دستگاه دولتی قرار داشت که بخش بزرگی از عواید را بعنوان مالیات یا خراج، از کشاورزان و دامداران و تولیدکنندگان دیگر دریافت می کرد. کمونوتها و یا همبوندهای آزاد دهقانی به این ترتیب استقلال خود را به تدریج از دست داده و وابسته به دولت می شدند. اداره امور اقتصادی و سیاسی در دست دولت متمرکز می شد و مجموع دهقانان و تولیدکنندگان و سراسر جامعه به حالت وابستگی کامل و "بردگی جمعی" در می آمد. گروهی از جامعه شناسان مارکسیست معتقدند که تشکیل دولت در شرق باستان بر پایه تقسیم افراد جامعه به بنده و آزاد صورت نگرفت بلکه تقسیم جامعه به دو گروه فقیر و غنی مبنای اولیه تشکیل دولت بوده و در واقع پیدایش روحانیون و سلحشوران و روسای قبائل و اشراف طوایف و قشربندی درونی جامعه آن زمان، در نتیجه تمرکز تدریجی ثروت و قدرت در دست روسا و روحانیون و ریش سفیدان موجب شد که جامعه بی طبقه طایفه ای بدو گروه توانگر و درویش یعنی اشراف و روحانیون از طرفی و سایر افراد طایفه از سوی دیگر تقسیم شود. وظایف اقتصادی متعددی که به عهده روسای طوایف و پیشوایان قبائل بود از قبیل تقسیم نوبتی زمین ها و آبیاری و نظارت بر آنها و حفظ امنیت طایفه و قبیله در مقابل حملات و دستبردها، نگهداری و مرمت راه ها توأم با تفاوت در ثروت موجب پیدایش نخستین دولت های شرقی گردیده است. در این دولت ها و جوامع شرقی از کار بردگان نیز (که در آن مرحله از اسرای جنگی بودند) برای امور مختلف دولتی استفاده می شد. این امر که مالکیت خصوصی بر زمین وجود نداشت و شکل تولید اشتراکی بود، چنان مانعی در راه توسعه نظام برده داری و تسلط آن بر اقتصاد این جوامع به وجود آورد که هیچگاه این صورت بندی اجتماعی- اقتصادی در خاورزمین به درجه بسط یافته ای نرسید، و بردگان هیچگاه طبقه عمده و نیروی اساسی جامعه را تشکیل ندادند. عامل انقلابی در جامعه که نقش اساسی را در قیام ها و عصیان ها ایفا می کردند توده های دهقانی بودند نه بردگان. دولت های شرق باستان از طریق انحصار مالکیت زمین و بستن عوارض سنگین، وضع مادی این توده را تا شرایط بردگان تنزل می دادند، با این حال در سرزمین های خاور زمین بردگان، از طرف شاه و اشراف و روحانیون نه تنها مانند خدمت گذاران خانگی و اشیاء تجملی مورد استفاده قرار می گرفتند بلکه به میزان کم و بیش وسیعی در معادن، در کارهای ساختمانی و پیشه وری، در پرستش گاه ها و حتی در کشاورزی نیز استعمار می شدند.

(6)

در میهن ما ایران خصلت اصلی این نظام و رسم بردگی، علاوه بر دو اصل سابق الذکر یعنی نقش خاص دولت و دیوان های وابسته به دربار و "بردگی جمعی" حاکم بر جامعه، با این خصوصیت نیز مشخص می گردد که بردگی به معنای اخص کلمه اعم از خانگی و یا جنگی و تا حدود معینی در ساختمان کاخ ها و راه ها و کار در معادن پدید شد. دامنه شرکت برده در تولید در کشور ما به میزان روم و یونان نرسید. برده داری در میهن ما با بقایای جدی جامعه دودمانی همراه بود و سپس همراه بسط نظام ارباب- رعیتی تا دیر زمانی باقی ماند. البته تمام جوانب اقتصادی و اجتماعی و انسانی وضع در آن دوران ها هنوز روشن نیست و تاریخ گذشته میهن ما در انتظار بررسی های ژرف تری است. تحقیقاتی که تا کنون انجام شده نشان می دهد که بعثت مزایای طبیعی ناحیه جنوب غربی دشت شوش که مشابه با شرایط بین النهرین بود، از هزاره سوم قبل از میلاد تمدنی بوجود آمده که مظهر آن نخستین دولت در این سرزمین یعنی دولت عیلام است. این دولت دشت ها و جبال جنوب باختری ایران و سواحل خلیج فارس را در برمی گرفت. این امر که پادشاهان عیلام خود را پدر و شاه و خدا می نامیدند، نشان تلاشی نظام طایفه ای در این مناطق و بوجود آمدن نخستین جامعه طبقاتی با دستگاه دولتی استبدادی است. مالکیت دولتی و شیوه اشتراکی تولید، پایه اساسی اقتصاد دولت عیلام بود. شهرهای متعدد، نشانه پیدایش پیشه های گوناگون و جدا شدن پیشه وری از

کشاورزی و دلیل پیشرفت مهم امر مبادلات است. غیر از مناطق غربی ایران، در آن زمان اوضاع اقتصادی و اجتماعی به کندی پیش می رفت و اقتصاد، به مراتب عقب افتاده تر از عیلام و نواحی همسایه آن یعنی بابل، آسیای صغیر و مصر در هزاره سوم پیش از میلاد است. به همین جهت یک منشی بابل که در آن عهد می زیست نوشت:

"عالم تمدن به دامنه های زاگروس خاتمه می یابد." استفاده از مفرغ که در حدود هزاره دوم پیش از میلاد آغاز شد و رشد مبادلات و بسط ارتباط با تمدن ها و اجتماعات پیشرفته و اتصال بقیه نواحی ایران با مناطق غربی و همسایه تدریجا در اوضاع اقتصادی و اجتماعی تاثیر کرد.

دولت کاسیان و دولت میتانی که طی هزاره دوم قبل از میلاد در مناطق غربی به مثابه دو دولت مقتدر پادشاهی تاسیس شدند نشان آن بود که قشربندی طبقاتی در جامعه به حدی رسیده بود که تشکیل دولت مرکزی را برای تحکیم موقعیت طبقه حاکمه و اجرای وظایف عمومی ضروری می ساخت. دولت کاسیان در نواحی کوهستانی لرستان در واقع حکومت امرای بزرگ دامدار بر توده های قبیله بود. مراتع و زمین های محدود به عموم تعلق داشت و کشت و زرع به طور جمعی صورت می گرفت و بزرگان قبایل و سپس پادشاهان، مالک آنها شمرده می شدند. دولت کاسی عبارت از حکومتی اشرافی و نظامی بود که هنوز بر پایه نظامی طایفه ای قرار داشت.

دولت میتانی قشربندی روشن تری وجود داشت و اقشار مختلف در خدمت "کاخ" بودند. بندگی از طریق وامدار کردن و رباخواری و پسر خواندگی و دختر خواندگی پدید شد. برده داری به مقیاس معینی از جانب دولت میتانی مورد استفاده قرار می گرفت ولی شیوه مسلط، بهره داری اشتراکی و مالکیت دولتی است. در آغاز هزاره اول پیش از میلاد دو حادثه مهم در میهن ما روی می دهد: استفاده از آهن و سومین مهاجمه اقوام هند و ایرانی به سرزمین ایران، آهن، اسب و وسائل چرخدار تحول بزرگی در نیروهای مولده بوجود آوردند. تقسیم نواحی بین سران طوایف فاتح آریائی به تبدیل جامعه بی طبقه بومی، به جای طبقاتی کمک کرد.

در قرن های نهم و هشتم پیش از میلاد جامعه ایران مرکب از سه طبقه متمایز بود: امیر و بزرگان آریائی تابع او، روستائیان که با وجود کمونته ها یا همبدهای دهقانی و آزادی نسبی تحت رقیت و استثمار امیران و بزرگان بودند، و بردگان که از آزادی و دارائی بهره ای نداشتند. در سرای این امرا غلامان و کنیزان و انواع پیشه وران برده وجود داشتند.

تشکیل دولت ماد به قرن هشتم قبل از میلاد باز می گردد. طوایف متعدد در هر قوم تحت اداره واحد متمرکز شده بر اثر جنگ ها روند تمرکز ثروت و اختلاف درآمد سریع تر شد. در زمان هوخشتره در قرن ششم پیش از میلاد استفاده از کار بردگان چه برای خدمت گذارای بزرگان و در معابد و چه برای استفاده اقتصادی قوت گرفت. جامعه طبقاتی بیش از پیش رشد می یافت. مالکیت دولتی به تدریج ویس ها یا کمون های دودمانی را که رژیم تولید اشتراکی را حفظ کرده بودند به تادیه باج و خراج و مالیات مجبور ساخت. در کنار این امر دولت ماد از نیروی کار بردگان برای امورکشاورزی و صنعتی در معادن و امور ساختمانی استفاده می کرد. از قرن هشتم، پیشه ها و هنرها در نزد اقوام ماد رونق بسیار یافت.

دولت پارس نیز در قرن ششم پیش از میلاد بر اساس حفظ منافع اشراف طوایف و استثمار توده های روستائی بوجود آمد. استفاده از بردگان به صورت ابتدائی و خانگی نیز معمول بود. تسلط بر شاهنشاهی ماد و تشکیل دولت هخامنشی، نخستین دولت سراسری ایران موجب تسریع روند تقسیم طبقاتی و تمرکز دولتی گردید. در این دوران اساس اقتصاد را کشاورزی

تشکیل می داد، کانال ها، راه ها و سدها ساخته شد، حفر قنات و درخت کاری و استخراج فلزات رونق یافت، آبیاری مصنوعی و کشتیرانی توسعه یافت.

(7)

تلاشی فرماسیون برده داری

پس از رشد معینی که خود قرن ها و قرن ها به طول انجامید، دیگر نیروهای مولده نمی توانستند در چارچوب مناسبات تولیدی جامعه برده داری تکامل یابند. تضادهای طبقاتی به صورتی حاد تشدید می شد. اجبار غیر اقتصادی و جور و ستم وحشیانه موجب بازده اندک کار بردگان، موجب نابودی جمعی آنان، موجب عدم علاقه آنان به هر گونه ترقی فنی و تکمیل ابزار کار بود. تنها اکثریت عددی بردگان بود که همه این ها را جبران می کرد ولی این امر نمی توانست مدت زیادی به درازا کشد. جامعه به سرعت به طرف انحطاط می رفت.

برده داران در زندگی پر عیش و نوش، پر از تجمل و شکوه غرق می شدند. بردگان بیش از پیش دست به شورش و قیام می زدند.

بر اثر قیام های بزرگ بردگان که شورش تاریخی اسپارتاکوس نمونه آنهاست شالوده برده داری متزلزل می شود. این قیام ها چه از جانب بردگان که دیگر تحمل ادامه وضع را نداشتند و چه از جانب دهقانان آزاد و پیشه وران که دائما با خطر ورشکست و تبدیل به برده روبرو بودند، و همچنین انحطاط و فساد بی سابقه در راس هرم اجتماع، جامعه برده داری را که دیگر به طور عینی نیز نمی توانست پاسخگوی نیاز تکامل جامعه باشد، از درون پوساند و متلاشی کرد. در بسیاری موارد، هجوم قبایل خارجی نظامات برده داری را به آسانی از پای در آورد و آن را منهدم ساخت. به جای این فرماسیون، "صورت بندی اجتماعی- اقتصادی" دیگری که آن هم بر شالوده استثمار متکی بود، منتهی اصولی دیگر داشت، مستقر شد. این نظام در شکل کلاسیک فئودالیسم و به نسبت نظام برده داری مترقی تر بود و امکانات تازه ای را برای رشد نیروهای مولده و ترقی اجتماع بوجود آورد.